

زیارتگاه های بختیاری

همانگونه که در پژوهشنگاری پیوست یاد شده است هر طایفه بختیاری زیارتگاهی ویژه خود داشته خویش را در پناه آن می انگارند. می توان گمان برد که این روال پیروی از الگویی کهن است که مردمان باستان برای هر شهر و کوی و برزن خدایی ویژه می داشتند. بازماندهء دگرگون شدهء این باور را در بسیاری جاها در جهان کنونی هم همچنان می توان دید. برای نمونه پاتریک مقدس نگهبان کشور ایرلند و بسیار نمونه های دیگر.



ایران‌شناسی

ویژه پژوهش در تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران و زبان و ادبیات فارسی

دوره جدید

با آثاری از:

محمد استعلامی

اشکان آویشن

حمید حمید

حبیب برجیان

سیمین روزچک

نسرین (رنجبر) ایرانی

بیژن شاهمرادی

شهبین سراج

محمد علی کریم زاده تبریزی

محمد علی فروغی، ذکاء الملک

جلال متینی

حشمت مؤید

بیژن نامور

مجله تایم، «مرد سال» (برگزیده ها)

ایران‌شناسی

ویژه پژوهش در تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران
وزبان و ادبیات فارسی

دوره جدید

مدیر

جلال متینی

نقد و بررسی کتاب

زیر نظر: حشمت مؤید

بخش انگلیسی

زیر نظر: ویلیام ال. هَنووی، دانشگاه پنسیلوانیا

پیتر چلکوسکی، دانشگاه نیویورک
جلال خالقی مطلق، دانشگاه هامبورگ
راجر سیوری، دانشگاه تورنتو
حشمت مؤید، دانشگاه شیکاگو

هیأت مشاوران

ذبیح الله صفا، استاد ممتاز دانشگاه تهران
محمد جعفر محبوب، دانشگاه تربیت معلم تهران

مشاوران متوفی

مقالات معرف آراء نویسندگان آنهاست.

نقل مطالب «ایران شناسی» با ذکر مأخذ مجاز است. برای تجدید چاپ تمام
یا بخشی از هر یک از مقالات موافقت کتبی مجله لازم است.

تمام نامه ها به عنوان مدیر مجله به نشانی زیر فرستاده شود:

The Editor: Iranshenasi

P.O.Box 1038

Rockville, Maryland 20849-1038, U.S.A

تلفن: ۲۵۶۴-۲۷۹ (۳۰۱)

فکس: ۲۶۴۹-۲۷۹ (۳۰۱)

Internet: www.Iranshenasi.net

بهای اشتراک:

در ایالات متحده آمریکا، با احتساب هزینه پست:

سالانه (چهار شماره) ۵۵ دلار، برای دانشجویان ۴۵ دلار، برای مؤسسات ۱۴۰ دلار

در خارج از آمریکا، هزینه پست هوایی افزوده می شود:

کانادا ۱۹ دلار، سایر کشورها ۴۲ دلار

حروفچینی کامپیوتری و تنظیم: مؤسسه انتشاراتی «بیج»، واشنگتن دی. سی.

زیارتگاههای بختیاری

(پژوهشی در مردمشناسی فرهنگی)

یکی از نهادهای بسیار ارزشمند برای بررسی در پژوهشهای مردمشناسی فرهنگی، زیارتگاهها و جایگاههای ورجاوند و آیینهای وابسته بدانهاست. چنین می نماید که آنچه در این زمینه هنوز در بختیاری رواج دارد و دیده می شود، کم و بیش، همان نهادهایی است که در سراسر ایران بنیاد شده و رواج دارد. هرچند که هر تکه ای از این پیکره را در گوشه ای از سرزمین (فرهنگی) ایران باید جست و کنار هم چید!

یکم- زیارتگاههای طایفه ای:

هر طایفه یا هر چند طایفه بختیاری به زیارتگاهی ویژه خود باور دارند و خود را ورداشته (^h wordašt = برداشته) آن زیارتگاه می دانند. به دیگر سخن، خود را زیر پوشش زیارتگاه ویژه خود دانسته تنها به دیدار همان زیارتگاه رفته، برآورده شدن نیازها و درخواستهای خود را از او می خواهند. از این روی هرگز به دیدار زیارتگاه پشتیبان طایفه های دیگر نمی روند و آنها را برای برآوردن نیازهایشان نمی خوانند. در این جا شماری از آنها را، برای نمونه، یاد می کنیم:

۱- بوآمد (baw^a-mad) (بابا احمد) در شمال خاوری شهرک لالی ویژه طایفه های

کیارسی (Kəyārci) و بامدی (bāmədi) است.

۲- قدمگاه خواجه حافظ شیرازی ویژه طایفه موزرمونی (muzarmuni) است. این

زیارتگاه نزدیک «ده کهنه» (موزرم muzarm) بخش «دهدز ایزه» است.

۳- آقا سلیمون (soləymun) (سلیمان) در چلو (čəlow) شمال آنذکا (ançəkâ) نزدیک شیمبار (šimbar) (ویژه طایفه موری (mo^awri) است.
 ۴- شاهزاده ابوالقاسم یا شاه گردن بلند بیست کیلومتری خاور لالی ویژه طایفه بابادی (bâbâgi) است.

۵- بابازی (زید) در قله زراس (yalə zarras) اندکا ویژه طایفه منجزی (monjazi) است. این زیارتگاه را بابا زید چلو (گیلانی) هم می گویند.
 دوم- زیارتگاه درختی:

در بیست کیلومتری شمال خاوری لالی در جایی به نام دره بُری (darrə^h bori) درخت کناری (سدر) است که به آن پیر مراد می گویند. زنان نازا برای بچه دار شدن به دیدار آن رفته لکه (ləkə^h) (= دخیل، تکه پارچه)، بیشترینه سبزرنگ، به آن می بندند. مردان هم به همین آرزو، از میوه آن می خورند.

در نزدیکی آنذکا نیز زیارتگاهی ست در جایی به نام سرتلیها (sartalihâ) که پیر کلخونگک (pêrə kəlxongak) نامیده می شود. میوه درختان آن مانند میوه آلبالوست و کسی را روا نیست درختها یا شاخ و برگ آنها را ببرد.
 سوم- زیارتگاه همگانی:

سلطون براهیم (soltun brahim) (سلطان ابراهیم) در تنگ گندا (tang- - gondâ) نزدیک آنذکا بزرگترین زیارتگاه بختیاری ست و همه طایفه های بختیاری، از هر دو شاخه هفت لنگ و چهار لنگ «آن را بزرگ می دارند. پیرون نگهدارنده آن، «سرقفلی» طایفه ها در این زیارتگاه را خرید و فروش می کنند.

چهارم- زیارتگاههای کاربردی:

این گونه زیارتگاهها در سراسر خاک بختیاری پراکنده بوده، همه طایفه ها آنها را گرامی می دارند:

۱- شاه قطب دین (الدین) نزدیک شهرک لالی، ویژه باران خواهی و باران آوری ست. در آیین باران خواهی که هل هله کوسه (hal halə kusə^h) نامیده و کنار زیارتگاه برگزار می شود، دو کلاه را با دستمالی به گرد سر می بندند به گونه ای که چون دو گوش دراز می نماید. ریش و سیلی ساختگی از پشم گوسفند، به چهره گذاشته، کت را پشت و رو به تن می کنند. سپس به خود زنگوله های بسیار می آویزند و چون آدمی شل و شل با هایهوی فراوان می رقصند. مردم هم با فریاد به بانگ بلند همراهی می کنند. سیدی از «پیران» نگهدارنده زیارتگاه، همزمان با برگزاری آیین، دو سنگ تخم مرغ مانند را

به آهستگی روی هم می کوبد و افسون می خواند. آیین با پرداخت پول از سوی مردم پایان می گیرد. این زیارتگاه در هتّی « (hatti) چهل کیلومتری خاور لالی جای دارد.

۲- شیخ برکه « (barak^h) زیارتگاهی ست ویژه پائندانی جان، و، درمان بیماری گاو، و در چم برکه « (...-cam-ə) چهار کیلومتری خاور لالی جای دارد. بختیاریان باور دارند که شیخ یادشده، گاوهای کاری (= ورزا varzâ، گاونر) خود را برای پذیرایی از امام رضا و همراهان سر برید و امام به فرجودی آنها را زنده کرد. در پی این معجزه، امام از شیخ پیمان گرفت که تا آن گاه که خود و فرزندانش از خوردن گوشت گاو پرهیز کنند، آب دهانشان درمان بیماری «گاو-مرگی» خواهد بود. مردمی که امروزه از تخمه شیخ یاد شده اند گروهی جداگانه در میان طایفه بابادی اند و هنوز پرداختی سالانه ای دارند که دریافت می کنند.^۲

۳- پیر بویر (per-ə-bovəyr) نزدیک منار (monâr) بین راه اندکا به بازفت (bâzof) زیارتگاهی ست ویژه پائندانی جان تکشمان چون اسب و استر و خر. این زیارتگاه را پیر هرگل (pêr-a-hargal) (پیر خران) هم می گویند.

۴- آسید آمد (احمد) کبیر در گذار لندر (goğâr lanğar) نزدیک مسجد سلیمان ویژه مارها و جانوران نیشزن همچون کژدم است. این زیارتگاه اکنون زیر آبهای سد کارون (دکتر عباسپور) فرورفته است. مردم باور دارند که سید احمد کبیر برادر شاهچراغ (شیراز) است و همه جانوران زهری را زیر نگین او می دانند. باید یادآور شد که در گرمسیر و سردسیر بختیاری گونه های مار، برخی بسیار بزرگ، و زهری، زیاد است. از آن میان مسجد سلیمان در گرمسیر، از جاهایی ست که در سراسر ایران برای فراوانی گونه ها و پرشماری مارها نمونه است. با این همه، بختیاری ها از کشتن مارها، مگر مارهای بدکیش و ناکردار (= کافر)* سخت پرهیز دارند. مارهای بدکیش را هم تنها سیدهای وابسته به سید احمد کبیر می توانند شناسایی کنند!

سیدهای سید احمد کبیر به گویش بختیاری خیر گرد هستند. یعنی این سیدها، که در بخش مرغا (marga) در گذار لندو زندگی می کنند، با طایفه ها به کوچ می روند و خانه به خانه و چادر به چادر نزد مردم رفته با برگزاری آیینهایی ایشان را در برابر نیش مار، و کژدم، به گویش بختیاری گژدین (ga dên)، رویین و آسیب ناپذیر می کنند. بسدین روش جان و تندرستی ایشان را پائندانی می نمایند. این آیین را پَر پین (parpin) یا

* در گفتار خوزستانیها «لاکردار» به معنی مُنکر و کفران کننده به کار می رود، پهلوی: nakkîrîdârih = انکار

پریم (parpim) می گویند. آیین چنین است که سید، ماری از مارهای نیشدار زهری که در کیسه همراه دارد بیرون آورده بر گردن زن یا مرد خواهان می گذارد. سپس اوسی (owsi) (دعا و نیایش ویژه) می خواند. در این هنگام نام همه نیشداران زهری یاد می شود. افسونی که خوانده می شود، بیشترین، چنین است: حکم گرفت به رضا، به رغبت، به حیات حق دست الهی، به نور پیغمبر، دعای محمد، واگذارم به سید احمد، بستم زهاری، زماری! کشتن مار بدکیش به روادید سید و بسته به زیارتگاه شدنی ست. کشتن کژدم نیازی به روادیدی ندارد.

دیده می شود که کشتن برخی مارها را روا نمی دانند. چنین می نماید که این نارواداری، گونه ای بزرگداشت این دسته مارهاست. هرچند بختیارها این گروه مارها را «مسلمان» می خوانند، خود پیدا است که این پاسداشت از باوری بسیار کهن سرچشمه می گیرد. آنچه ما را بر آن می دارد که چنین گمانی ببریم این است که:

۱) از روزگاری که ایلامیان در همین بخش میانی زاگرس یعنی سرزمینهای امروزی بختیاری می زیستند، نشانه هایی از بزرگداشت مارها در دست است. در این نشانه های بازمانده، ایزدی بر ماری نشسته و ماری کوچکتر در دست دارد. همچنین است نگاره های ایزدی که مارها گرداگردش را گرفته و خود روی ماری بزرگ نشسته. پری- ماهیها و پری- بز کوهیها هم کنارش نشسته اند.^۳ ویژگی برجسته این ایزد پیوند او با آبهای زیرزمینی ست که مارها نماد آنند.

۲) در اسطوره های آریایی مار از آفریدگان پلید و اهریمنی ست. سخت ترین پادافره گناهکاران، در جهان دیگر، گرفتار آمدن به چنگ ماران است. مارچهره دیگر اهریمن به شمار است، و اژی دهاک (= تیر- مار، افعی)، بزرگترین دروغ اهریمن آفریده است.^۴ بر این پایه، دیدگاه کهن مردم نجد ایران، ایلامیان، درباره مارها و سودمندی آبهای ایستاده و پنهان به همراه باور آریاها درباره پلشتی ماران، در این سرزمین و در درازنای تاریخ فرهنگی آن پایید و هر دو باور ناساز با یکدیگر گونه ای همزیستی یافتند! افزون بر آن، مار با پوست انداختن سالانه خود «می میرد» و «زنده» می شود. از این روی می توانسته است یکی از نمادهای زندگی شمرده شود، تا آن جا که در زبان یکی دیگر از مردمان آسیای باختری، یعنی عربها، واژه «حی» هم معنی زنده را می رساند و هم مار. شاید از همین است که عربها باور دارند که هر جا درخت سروی هست، مار هم هست، چه، درخت سرو نیز در آسیای باختری از نمادهای زندگی، و، زیست جاوید بوده است. کاربرد گسترده بنمایه (= motif) سرو در تخت جمشید را هم می توان بر این پایه دریافت. به هر

روی می‌توان پذیرفت که در فرجام کار، با هم زیستن دو اسطوره، باور به بودن دو گونهٔ مار، خوب (= مسلمان)، و بد (= کافر، ناکردار)، را پدید آورده باشد!

پیرون

نگهدارندگان زیارتگاه را، بختیاربها، پیرون (پیران) یا شیخون (شیخان) و همه را سید می‌دانند و می‌خوانند. بدین روی «سید پیر شاه» یعنی سرپرست زیارتگاه. از این روی سیدها یا پیران را روی هم رفته می‌توان در اندازهٔ «طایفه - طبقه ای» جدسرا انگاشت. این گروه هیچ پیشه ای مگر همان سرپرستی زیارتگاهها و برگزاری آیینهای آن ندارند. گذران ایشان از راه نیازهایی ست که مردم می‌پردازند. بدین روش:

۱- سرباره ($sarbâr \partial^h$): پرداختی هر خانواده بی هیچ میانجی به خود سیدهاست. این پرداختها پول، کالا، و یا بخشی از خرمن است. هنگام پرداخت سرباره، به ویژه در پائیز است. این روش پرداخت را در گویش بختیاری پیرمُردی گرهذِن ($g \partial r \partial h \partial n$) (=گرفتن) می‌گویند.

۲- پرداخت به زیارتگاهها: خانواده‌های هموند هر طایفه به زیارتگاهی که «ورداشته» آن هستند پول می‌پردازند. صندوق زیارتگاه، پولهای دریافتی را به سیدهای وابسته، به اندازهٔ برابر، پرداخت می‌کند. پرداختی هر خانواده بسته به توان مالی یا دارایی اوست. سیدها نیز فهرستهایی از خانواده‌های پرداخت کننده فراهم کرده در دسترس دارند.

۳- کُه چَر ($koh\check{c}ar$) (=چراگاه در کوه): سومین روش برای فراهم آوردن زیستمایهٔ سیدان وابسته به هر زیارتگاه، واگذاری مرغزاری در دامنه کوه، به زیارتگاه است. گلهٔ هر سیدی بی کم و بیشی در «کُه چَر» می‌توانند بچرند. به دیگر سخن، بهره برداری از چراگاه برای دارندگان رمه‌ها برابر است.
گزارش:

زیارتگاههای طایفه ای، درختی و کاربردی در بختیاری، به هیچ روی از نمونه‌های همانند خود در دیگر جاهای ایران دور نیست. به راستی پروایی نخواهد بود اگر همه را برگرفته از یک بُن بدانیم. یکی از نام آورترین درختهای ورجاوند در ایران، درخت چنار امامزاده صالح در شمیران است، که هنوز بزرگداشته می‌شود و چشم امید برای برآوردن نیازها بدان دارند. مقدس دانستن برخی درختان، بیگمان، از کهنترین باورهای سراسر آسیای باختری ست.^۵ به گمان ما، همچنین است زیارتگاههای کاربردی، که چنین می‌نماید که بازماندهٔ رنگباخته ای از ایزدان پاسدار روزگاران کهن اند. از شناخته‌ترین

آنها می توان بی بی شهربانو در شهر ری را یاد کرد، که روی هم رفته پاسدار زنان و کارهای سپرده به ایشان است.^۶

بدین روی، خرد پذیر است که زیارتگاههای طایفه ای در بختیاری را نیز جایگزین در خورد روزگار ایزدان نگهبان شهرها و گروههای مردم، در روزگاران دور گذشته بینگاریم. پس این نکته هم خرد پذیر است که زیارتگاههای کوچک و کم نام پراکنده در کوی و برزن شهرها و آبادیهای دیرسال ایران را، نیز در اندازه پشیمان باشندگان همان کوی و برزن بینداریم. برای نمونه می توان از امامزاده اسماعیل در الهیه شمیران یاد کرد. به هر روی، زیارتگاهی بزرگ و همه پذیر چون «سلطون براهیم» در بختیاری را می توان پشیمان و به ویژه پیوند دهنده همه قوم دانست.

ناشایست دانستن کشتن «گاو کاری» و خوردن گوشت آن، با همه داستان بن دهنده آن را، به روشنی می توان کارگر شدن اندیشه زرتشتی در همآواری با گاوکشی مهری دانست. در حالی که آیینهای باران خواهی زیارتگاه شاه قطب دین، بسی کهنتر می نماید. چه، در همه آیینهای کهن، رقص و رقصیدن جادو و افسونی سخت سترگ است. رقصنده در این جا با شل و شل نمایی، گیاهان تشنه مانده در پرتو مرگ را نمادسازی می کند. گوشهای دراز بر ساخته و ریش پشمن ساختگی هم می تواند نماد دامهای بی آب و چرنمادخوانی شود. به هر روی همه «کلان کیهان» (macrocosm) به گواهی و یاری خوانده می شود. زیرا «پیر» نگهدار زیارتگاه، خود، به تن خویش در آیین همباز می شود. چه نیاز به یادآوری که او، خود، هستی ای ورجاوند است! از دیگر سوی، او سنگ به دست گرفته است. سنگ در بسیاری فرهنگها باران آور، بارآور و زایاست. خود هستی ست.^۷ سنگها تخم مرغ نماست: تخم مرغ، «کهن کیهان» (microcosm) است،^۸ جهان کوچک است به نماد جهان بزرگ، که هنوز هم ایرانیان در گردش سال کهنه به نو، تخم مرغ بر سفره هفت سین می نهند، که کیهان همه به نوین روزی در می آید. به هر روی در این آیین همه نیروها به یاری فرا خوانده می شود، از ایرا که همه هستی به پیایند خشکی و بی آبی در خورد نیستی و تباهی ست!

جهان در آشوب و واژگونگی پایان خود است و در گام نیستی گرفتار، زیرا که برگزار کننده آیین، تن پوش خود را وارونه در بر کرده! به دیگر سخن، او با این کار، از دست شدن هنجار کار جهان را وزیر و زبر شدن روال آن را نماد گویی می کند. آیین را در کنار زیارتگاه برگزار می کنند، چون زیارتگاه، همانند هر ساختمانی که در بافتار فرهنگی اسطوره ای-آیینی، بنیاد شده باشد، درست در میانه جهان جای دارد،^۹ و پیوند گاه جهان

برین (آسمانها، سپهر، گردون)، زمین و جهان زیرین است.^{۱۰}

اتریش

سندها:

- ۱- کریمی، اصغر: سفر به دیار بختیاری، فرهنگسرا، تهران، ۱۳۶۸، ص ۲۸۴.
- ۲- بابادی عکاشه، اسکندر: تاریخ ایل بختیاری، فرهنگسرا، تهران، ۱۳۶۵، ص ۱۵.
- ۳- آمیه، پی یر: تاریخ ایلام، ترجمه شیرین بیانی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۹، ص ۵۹.
- ۴- بهار، مهرداد: پژوهشی در اساطیر ایران، آگاه، تهران، ۱۳۷۵، صص ۸۵، ۸۷، ۱۹۰، ۲۷۷، ۲۷۹-۲۸۰، ۳۱۱، ۳۱۴ و ۳۱۸.
- ۵- الیاده، میرچا: اسطوره، رؤیا، راز، ترجمه رؤیا منجم، فکر روز، تهران، ۱۳۷۴، ص ۱۲۷.
- ۶- الیاده، میرچا: رساله در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، سروش، تهران، ۱۳۷۲، ص ۲۶۱.
- ۶- یاد بهار، گروه نویسندگان، آگاه، تهران، ۱۳۷۶، صص ۴۲۳-۴۲۵، «بی بی شهربانو» نوشته مری بویس، ترجمه سیروس نصرالله زاده.
- ۷- فرهنگ و دین، ویراسته میرچا الیاده، طرح نو، تهران، ۱۳۷۴، صص ۴۰۹-۴۴۲؛ رقص و دین، نوشته جودیت لاینه هانا، ترجمه مهرانگیز اوحدی.
- ۸- الیاده، میرچا: اسطوره، رؤیا، راز، همان، همان.
- ۸- الیاده، میرچا: رساله در تاریخ ادیان، همان، صص ۲۱۵-۲۱۹.
- ۸- بهار، مهرداد: پژوهشی در اساطیر ایران، همان، صص ۴۴، ۴۸، ۴۹ و ۱۳۲.
- ۹- الیاده، میرچا: رساله در تاریخ ادیان، همان، صص ۳۴۹-۳۵۵.
- ۱۰- برجسته ترین فرامود این بینش در ساختمانسازی آیینی در ایران، مسجدهای بنیاد شده در روزگار صفویان، و به ویژه در اصفهان است که بخشهای برین، نیلگون (آسمان رنگ)، بخشهای پایین خاکی رنگ (زمین و زمینی) و پی ها، بیشترین، سیاه یا دودی سیر، (جهان تاریک زیرین) است. افزون بر زبان نمادگویی رنگها، گنبدها، خود، بازسازی گردون-سپهر و نمونه های تخم مرغ واره آن، از آن میان گنبد آرامگاه قبر آقا در تهران (خیابان مولوی)، نماد تخم مرغ کیهانی ست.

Iranshenasi

A JOURNAL
OF IRANIAN STUDIES

New Series

Editor :

Jalal Matini

Associate Editor :

(in charge of English Section)

William L. Hanaway

University of Pennsylvania

Book Review Editor :

Heshmat Moayyad

Advisory Board :

Peter J. Chelkowski,

New York University

Djalal Khaleghi Motlagh,

Hamburg University

Heshmat Moayyad,

University of Chicago

Roger M. Savory,

University of Toronto

Former (deceased) Advisors:

Mohammad Djafar Mahdjoub

Zabihollah Safa

The views expressed in the articles are those of the authors
and do not necessarily reflect the views of the Journal.

All contributions and correspondence should be addressed to:

The Editor: Iranshenasi

P.O.Box 1038

Rockville, Maryland 20849-1038, U.S.A

Telephone : (301) 279-2564

Fax : (301) 279- 2649

Internet: www.Iranshenasi.net

**Requests for permission to reprint more than short
quotations should be addressed to the Editor.**

Annual subscription rates (4 issues) are \$55.00 for individuals,
\$45.00 for students, and \$140.00 for institutions.

The price includes postage in the U.S.

For foreign mailing (Air Mail), add \$19 for Canada, \$42 for other countries

Iranshenasi

A JOURNAL OF IRANIAN STUDIES

New Series

Abstracts of Persian Articles by:

Habib Borjian

Jalal Matini

Nasrin Ranjbar Irani

Chahin Seraj

Bijan Shahmoradi